

عنوان مقاله: قانون مندی جامعه و آزادی (نقد دیدگاه دورکیم)

نویسنده: امان الله فصیحی

منبع: معرفت سال نوزدهم، شماره ۱۵۷، دی ۱۳۸۹

صص ۱۰۷-۱۲۲

چکیده

- نوشتار حاضر تلاشی است در راستای تحلیل نظریه دورکیم در ارتباط با قانون مندی جامعه و آزادی انسان، این بحث یکی از مباحث عمده نظم است. حل مسئله فوق ثمرات علمی و علی مهم در پی دارد. این نوشتار به نقد دیدگاه دورکیم پرداخته است. روش این نوشتار، اسنادی و تحقیق متن است. یعنی دیدگاه دورکیم با ارجاع به آثار اصلی خودش استخراج و سپس بررسی و تحلیل شده است.

اسنادی و تحقیق متن

چکیده

- در ارتباط با موضوع **سه دیدگاه** قابل طرح است:
- ۱- قانون مندی جامعه مانند قوانین حاکم بر طبیعت ، باعث سلب کامل اختیار انسان می شود.
- ۲- طبق دیدگاه دیگر، قانون مندی جامعه مانند قانون مندی طبیعت به صورت کامل، اختیار انسان را سلب نمی کند، بکه ارائه انسان را در چارچوب قوانین جامعه محدود می نماید

قانون مندی طبیعت به صورت کامل

چکیده

- ۳- قانون مندی جامعه آزادی انسان را حتی محدود هم نمی کند. چون اراده انسان جزء علت تامه است. از نظر دورکیم، چنین اجتماعی، گاه به معنای ضرورت و قطعیت و گاه به معنای محدودیت به کار رفته است. از این رو، میان قانون مندی جامعه و آزادی انسان نمی توان جمع کرد. آنچه که سبب شده تا دورکیم نتواند مان قانون مندی جامعه و آزادی انسان نمی توان جمع کرد. آنچه که سبب شده تا دورکیم نتواند میان قانون مندی جامعه و آزادی انسان جمع نماید، تلقی نادرست وی از هستی جامعه، حقیقت انسان ها و اصل علیت است.

تلقی نادرست وی از هستی جامعه،
حقیقت انسان ها و اصل علیت

کلید واژه ها:

- جامعه، قانون، آزادی، نظم، اختیار، جبر، علت، ضرورت و قطعیت



- از سوی دیگر، دورکیم، در موارد زیاده‌فردگرایی و آزادی انسان اشاره نموده است. وی در مقدمه چاپ دوم کتاب قواعد روش جامعه‌شناسی به صراحت با تبیین جبرانکار مخالفت نموده، یعنی جبرگرایی را مغایر روش خود دانسته است. در موارد دیگر نیز دورکیم تصریح می‌کند که میان قانون مندی جامعه و آزادی انسان یا میان جامعه و فرد هیچ گونه تعارض و ناسازگاری وجود ندارد. به همین دلیل، برخی به منظور حل مساله آزادی و قانون مندی جامعه، آثار دورکیم را مورد بازخوانی قرار داده و به رمزگشایی آنها پرداخته‌اند.

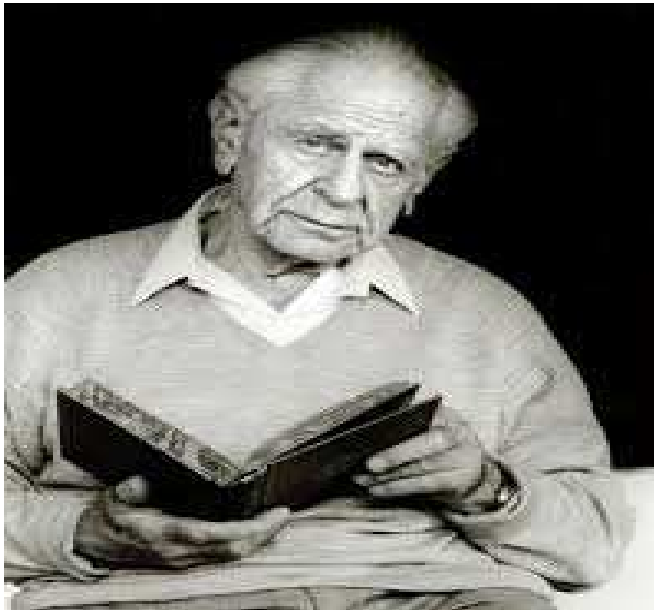
تبیین جبرانکار

کسی که معتقد است قانون مندی جامعه از سنخ قوانین طبیعی است و فرد را در برابر آن مجبور بداند. در نتیجه، روشی را که در پیش می گیرد، همان روش علوم طبیعی در جهان انسانی است دیگر در مطالعات اجتماعی، فرد به صورت کامل نادیده انگاشته می شود به عکس، اگر کسی قانون مندی جامعه را منکر شود، یا قانون مندی آن را از سنخ قوانین طبیعت نداند و یا اینکه در جمع میان قانون مندی و آزادی انسان موفق شود، قطعاً روش شناسی او نیز متفاوت خواهد بود.

از سنخ قوانین طبیعت

تعریف قانون

واژه «قانون» دارای تعاریف مختلف است که «روابط علی و معلولی میان پدیده ها» ، «رابطه پایدار و ثابت میان پدیده ها» و «همبستگی ریاضی و آماری» از مهم ترین تعاریف قانون است. قانون از یک حیث به دو معنای «اعتباری» و «تکوینی» تقسیم می شود. قوانین اعتباری صراحتاً یا التزاماً بر امر یا نهای دلالت دارد، این قوانین به اعتبار معتبر وابسته اند. قوانین تکوینی از یک ارتباط نفس الامری میان اشیا حکایت دارند. **در این نوشتار مقصود قوانین اعتباری نیست.** قانون حقیقی، به «عقلی» و «علمی» تقسیم می شود.



پوپر در عین اینکه به قوانین و الگوهای ثابت اجتماعی اعتقاد دارد، ولی به جبر انسان معتقد نیست و به رابطه دیالکتیکی میان قوانین اجتماعی و اراده آزاد انسان قایل است.

رابطه دیالکتیکی میان قوانین
اجتماعی و اراده آزاد انسان

کارل پوپر

قانونمندی جامعه در دیدگاه دورکیم

- از نظر دورکیم، جامعه به مثابه امر داده شده دارای وجود مستقل از افراد و قانون مختص به خود است. از نظر وی، جامعه که «**امر خودزا**» است که پس از تگون از افراد مستقل شده و بر اساس منطق و نظم درونی خود عمل می کند. دیگر منطق عمل اجتماعی تابع اراده و خواست افراد نیست. از نظر دورکیم، قانون مندی جامعه با نفی آزادی انسان ملازم است و نفی آزادی از خواص ذاتی قانون مندی جامعه است. این مطلب در تعریف وی از «**واقعیت اجتماعی**» آشکار است.

تابع اراده و خواست افراد

جامعه به مثابه امر طبیعی: طبق برخی عبارات دورکیم، ماهیت امر اجتماعی از سنخ امر در طبیعی است. بنابراین، جامعه به مثابه امر طبیعی، بدون فکر و اراده، مطیع قوانین طبیعت است. رابطه بین جامعه و افراد رابطه علی یا ضرورت است. قلمرو اجتماعی در سطحی بالاتر است، ولی ادامه قلمرو طبیعی است. جهان اجتماعی پیچیده تر از جهان فیزیکی است، ولی از نظر کیفی، متفاوت نیست، کل اجتماعی و جزء منفرد متاثر از قانون با نظم طبیعی و علمی آن هستند.

رابطه علی یا ضرورت

- حکومت یا خدا و ملازم آن، سیمای فرد به مثابه عبد یا خدمتگذار است، در این صورت، جامعه مطاع و فرد مطیع است. دوگانگی ای که تشکیل می دهند آنان را از طریق قدرت به هم پیوند می دهند. این رابطه، رابطه تسلط و تسلیم، فرماندهی و فرمان برداری است.

جامعه مطاع و فرد مطیع است

جامعه به مثابه امر اخلاقی

- طبق بیان دیگر دورکیم، قوانین حاکم بر جامعه از سنخ قوانین اخلاقی است.



دورکیم

فردگرایی و آزادی در دیدگاه دورکیم

در موارد مختلف آثار دورکیم عباراتی به چشم می خورد که بیانگر رشد فردیت و آزادی انسان در جامعه است.

الف- فردگرایی : کسانی که به دنبال حل تعارض قانون مندی جامعه و آزادی در اندیشه دورکیم برآمده اند به فردگرایی دورکیم توجه نموده اند. مقصود دورکیم از فردگرایی، فردگرایی اخلاقی است. نه فردگرایی اخلاقی در اندیشه دورکیم به معنای رهایی انسان از قید جامعه نیست، بلکه به معنای استقلال در عمل و گسترش یافتن قلمرو انتخاب است. ولی فرد در برابر پیامدهای عمل آزادانه خود کاملاً مجبور و ملزم به اطاعت است. نیز فرد بخشی از کل و محصول محیط اجتماعی است.

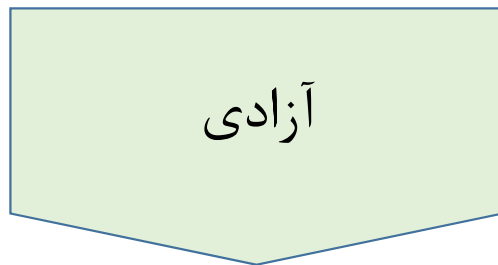
قلمرو انتخاب

معنای آزادی

- توجه به معنای آزادی نیز در اندیشه دورکیم مهم است . وی بحث آزادی را به گونه ای مطرح نموده که مغایرتی با قانون مندی و نظم اجتماعی نداشته باشد. در حقیقت دورکیم به معنای آزادی نیز تصرف نموده است. **دورکیم از دو نوع آزادی سخن می گوید:**

۱- آزادی به مثابه محصولات نظم

- قسم نخست آزادی از نظر دورکیم، «محصول» یا «ثمره» نظم و قاعده اجتماعی است نه از خواص ذاتی فرد آزادی به این معنا، رهایی انسان از قید طبیعت است. یعنی تسلط انسان بر طبیعت محصول حیات اجتماعی و نیروهای هوشمند جامعه است که به مرور حاصل می شود. هر چه بشر بیشتر به طبیعت مسلط شود، به آزادی بیشتر دست می یابد.



- وی معتقد است آزادی و قانون مندی جامعه مخالف یکدیگر نیستند. تضادی که برخی برقرار نموده اند، ساختگی است دو عامل مزبور یکدیگر را نقض و محدود نمی کنند. در واقع آزادی و قانون مندی متضمن یکدیگرند نه واقع یکدیگر آزادی ثمره قدرتی است که در رسم تصور شده باشد، زیرا **آزادی به معنای هرج و مرج و عمل دلخواه نیست**، بلکه به معنای خودداری و عمل کردن خردمندانه و انجام تکلیف است. از سوی دیگر، مقصود از نظم و قاعده هم این است که قوانین جامعه محترم شمرده شود.

آزادی و قانون مندی جامعه مخالف یکدیگر نیستند

دورکیم فراسوی آزادی ناشی از نظم و قاعده است که بالقوه در اختیار فرد است این نوع آزادیف اطاعت روشن بینانه یا ریاضت آگاهانه از نظارت اجتماعی است. از نظر دورکیم، اگر چه قوانین اجتماعی مانندد قوانین طبیعی، تغییر ناپذیر و گریز ناپذیرند. ولی به عقیده او رفتار عمدی و آگاهانه، هر چند ضروری و تعیین شده باشد، به نوعی با رفتار غیر ارادی و انعکاسی متفاوت است.

رفتار عمدی و آگاهانه

نقد و بررسی دیدگاه دورکیم

- پس از مرور دیدگاه دورکیم درباره جبر و آزادی، اینک این پرسش مطرح می شود که آیا در اندیشه دورکیم آزادی با قانون مندی جامعه سازگار است یا نه؟





- آزادی در اندیشه دورکیم به معنای تبعیت فرد از قوانین اجتماعی است نه رهایی از جامعه و مقاومت در برابر آن.

تبعیت فرد از قوانین
اجتماعی

درک نادرست دورکیم از هستی اجتماعی

- اولین ضعف دیدگاه دورکیم این است که وی ماهیت جامعه را به امر طبیعی تقلیل داده و قوانین آن را به جامعه تعمیم داده است، لازمه این کار- چنان که بیان شد- سلب اراده انسان است. اگر قوانین جهان طبیعت در عالم انسانی نیز حاکم باشد، دیگر انسان هیچ اختیاری ندارد و ابزار محض در دست امر اجتماعی است.



امر اجتماعی

- حتی اگر نگوییم که فشار اخلاقی اراده انسان را «نابود» می کند، نهایت چیزی که در این زمینه می توان گفت این است: معنای جبر اخلاقی این است که انسان مطابق خواست جامعه دست به انتخاب می زند. اگر چه این سخن دورکیم که ماهیت امر اجتماعی را از سنخ امر اخلاقی محسوب نموده، سخن خوب و قابل قبولی است، ولی اشکال کارش این است که در نهایت از نظر وی ترکیب فرد و جامعه از سنخ ترکیب طبیعی است.



معنای جبر
اخلاقی

کاستی دیگر دیدگاه دورکیم در باب جمع میان آزادی و قانون مندی جامعه، ریشه انسان شناختی دارد. از نظر وی، **درونی سازی واقعیت اجتماعی مهم ترین خصلت انسان است.** امر اجتماعی به مثابه امر بیرونی و تحمیل گر، از طریق تصویر و نمادسازی به بخشی از وجود فرد تبدیل می شود، آنگاه از درون او را کنترل می کند. قاعده اجتماعی پس از آنکه از طریق جامعه پذیری اولیه و ثانویه در فرد جذب شد، به طبیعت ثانوی تبدیل می گردد.

- ارزش ها و قواعد اجتماعی غالباً خود به دست مردم تضعیف می گردند، برانداخته می شوند، مورد مقاومت قرار می گیرند، بازاندیشنده می شوند، طرد می شوند و دگرگون می شوند. این سخن به این معنا است که انسان از قبل دارای خصلت های ذاتی است که در جریان فرهنگ پذیری از خود واکنش نشان می دهد، وگرنه مقاومت معنا نداشت.

خصلت های ذاتی



• یکی از کاستی های نظریه دورکیم، این است که وی از قانون مندی و اصل علیت درک روشن و واضح ندارد. دورکیم پدیده های اجتماعی را بر اساس روابط میان خودشان تبیین می کند. وی در این تبیین اراده انسان را کاملاً نادیده می گیرد. به همین دلیل است که وی در جمع میان قانون مندی جامعه و آزادی انسان موثر نشده است.

دورکیم

- اگرچه قانون مندی جامعه و تاریخ از الگوهای ثابت و استثنایپذیر حکایت دارد، ولی در استثنایپذیر نبودن قانون باید میان دو بعد شکل یا صورت و محتوا

الگوهای ثابت و استثنایپذیر

جمع بندی و نتیجه گیری

- آنچه در این نوشتار بیان شد، دیدگاه دورکیم در مورد قانون مند جامعه و آزادی انسان بود، نتایجی که از این بررسی به دست می آید به شکل زیر بیان می شود.
- ۱- عبارات دورکیم در مورد قانون مندی و آزادی انسان مغایر و متناقض است. در برخی موارد، وی قانون مندی ر مغایر آزادی انسان و در برخی موارد هم از آزادی انسان دفاع نموده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

- ۲- برخلاف دیدگاه برخی، نگارنده معتقد است که با تحلیل دقیق مفهوم آزادی و جبر در اندیشه دورکیم نمی توان از این تعارض و تناقض رمزگشایی کرد.
- ۳- دورکیم جبر اجتماعی را با استعارات مختلف مانند جبر، فیزیکی، جبر اخلاقی، سیمای درونی شدن و سیمای ساخته شدن فرد به وسیله جامعه بیان نموده است.

استعارات مختلف

- با توجه به مطالب مزبور، روشن می شود که در اندیشه دورکی، تعارض میان نظم و آزادی برطرف شدنی نیست. دورکیم در حقیقت به بیانات مختلف به یک جبر اشاره کرده است. آزادی و نظم دو روی یک حقیقت است، وی انسان را از عرصه مطالعه علوم اجتماعی خارج نموده است.

- مهم ترین کاستی های دیدگاه دورکیم، درک نادرست وی از هستی جامعه، درک حقیقت انسان و قانون مندی و اصل علیت است.

